

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

تقدیم به: پدرم

عبد الحمید رزادی

که بزرگترین سرمایہ‌ی زندگی من است

منابع قدرت نرم؛

سرمایه اجتماعی در اسلام

تألیف:

محسن ردادی

با مقدمه:

دکتر اصغر افتخاری

فهرست مطالب

سخن ناشر	۱۱
مقدمه: جامعه، دولت و سرمایه اجتماعی؛ در جمهوری اسلامی ایران	۱۳
۱. شاخص‌های مفهومی و کاربردی سرمایه اجتماعی	۱۴
۲. گونه‌شناسی سرمایه	۱۶
۳. سرمایه اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران	۱۷
۴. دولت و سرمایه اجتماعی	۱۹
۵. نهادهای مدنی و سرمایه اجتماعی	۲۰
۶. امنیت و سرمایه اجتماعی	۲۲
نتیجه‌گیری	۲۳
پیشگفتار	۲۹

بخش اول: چارچوب مفهومی و نظری

فصل ۱. تبار شناسی و مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی	۳۷
کلیات	۳۷
۱-۱. زمینه‌ی تاریخی مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی	۳۹
۱-۲. انواع سرمایه: فیزیکی، انسانی، اجتماعی	۴۴
۱-۳. سنجش سرمایه‌ی اجتماعی	۴۷
۱-۴. تعریف سرمایه‌ی اجتماعی	۵۰

۶ □ منابع قدرت نرم؛ سرمایه اجتماعی در اسلام

- ۵۱-۱-۴-۱. پیربوردیو..... ۵۱
- ۵۲-۱-۴-۲. رابرت پوتنام..... ۵۲
- ۵۳-۱-۴-۳. جیمز کلنن..... ۵۳
- ۵۴-۱-۴-۴. فرانسیس فوکویاما..... ۵۴
- ۵۵-۱-۴-۵. سایر دیدگاه‌ها..... ۵۵
- ۵۷-۱-۵-۵. ویژگی‌های سرمایه‌ی اجتماعی..... ۵۷
- ۵۷-۱-۵-۱. اجتماعی بودن..... ۵۷
- ۵۸-۱-۵-۲. اقتصادی بودن..... ۵۸
- ۶۱..... جمع‌بندی..... ۶۱
- ۶۷..... فصل ۲. مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی..... ۶۷
- ۶۷..... کلیات..... ۶۷
- ۶۸-۱-۲. معرفی مدل CRS (شناختی، رابطه‌ای، ساختاری)..... ۶۸
- ۷۱-۲-۲. تعریف مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی بر اساس مدل CRS..... ۷۱
- ۷۱-۱-۲-۲. مؤلفه‌ی شناختی سرمایه‌ی اجتماعی: اعتماد..... ۷۱
- ۸۲-۲-۲-۲. مؤلفه‌های رابطه‌ای سرمایه‌ی اجتماعی..... ۸۲
- ۹۶-۲-۲-۳. مؤلفه‌های ساختاری..... ۹۶
- ۱۰۰..... جمع‌بندی..... ۱۰۰
- ۱۰۷..... فصل ۳. دین و سرمایه اجتماعی..... ۱۰۷
- ۱۰۷..... کلیات..... ۱۰۷
- ۱۰۸-۱-۳. تأثیر دین بر افزایش سرمایه‌ی اجتماعی..... ۱۰۸
- ۱۱۳-۲-۳. عناصر درون دینی در تولید سرمایه‌ی اجتماعی..... ۱۱۳
- ۱۱۵-۳-۳. مبانی معرفتی سرمایه‌ی اجتماعی اسلامی؛ رابطه‌ی فرد و جامعه..... ۱۱۵
- ۱۱۵-۱-۳-۳. فرد در تفکر لیبرال دمکراسی..... ۱۱۵
- ۱۱۶-۲-۳-۳. فرد در تفکر سوسیالیسم..... ۱۱۶

فهرست مطالب □ ۷

۱۱۸.....	۳-۳-۳. فرد در تفکر اسلامی
۱۲۲.....	۴-۳. چارچوب اصلی سرمایه‌ی اجتماعی اسلامی
۱۲۳.....	۳-۴-۱. وجود خالق و رب جهان
۱۲۴.....	۳-۴-۲. ولایت و امامت
۱۲۵.....	۳-۴-۳. جهان آخرت
۱۲۶.....	۳-۵. ویژگی‌های جامعه‌ی اسلامی تولیدکننده‌ی سرمایه‌ی اجتماعی
۱۲۷.....	۳-۵-۱. اصل ایمان و عمل صالح
۱۳۰.....	۳-۵-۲. اصل سلسه مراتب
۱۳۲.....	۳-۵-۳. اصل برکت
۱۳۳.....	۳-۵-۴. گروه برّ در جامعه‌ی اسلامی
۱۳۴.....	۳-۶. قوانین سرمایه‌ی اجتماعی اسلامی
۱۳۵.....	۳-۶-۱. قانون اول: رابطه‌ی دگر خواهانه‌ی عام
۱۳۶.....	۳-۶-۲. قانون دوم: مطلوبیت ذاتی رابطه‌ی دگر خواهانه
۱۳۷.....	۳-۶-۳. قانون سوم: خدا محور بودن رابطه‌ی دگر خواهانه
۱۳۸.....	۳-۶-۴. قانون چهارم: بازدهی تامّ
۱۳۹.....	جمع بندی

بخش دوم: تبیین و تحلیل مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی در دستگاه فکری اسلام

۱۴۷.....	مقدمه
۱۵۳.....	فصل ۴. مؤلفه‌های ساختاری سرمایه اجتماعی در اسلام
۱۵۳.....	کلیات
۱۵۵.....	۴-۱. رکن اول: ولایت
۱۵۷.....	۴-۱-۱. محبت به رعایا
۱۵۹.....	۴-۱-۲. لزوم رعایت انصاف

۸ □ منابع قدرت نرم؛ سرمایه اجتماعی در اسلام

- ۴-۱-۳. برخوردار ساختن مردم از عفو و اغماض در مواردی که امکان دارد ۱۶۰
- ۴-۱-۴. رابطه‌ی حاکم و مردم رابطه‌ی سلطه‌ی مطلق نیست ۱۶۲
- ۴-۱-۵. حاکم اسلامی باید مانع شکل‌گیری کینه در قلوب مردم گردد ۱۶۳
- ۴-۱-۶. حاکم اسلامی باید نسبت به شهروندان حسن ظن داشته باشد ۱۶۴
- ۴-۱-۷. زمامدار نباید نسبت به کیفری که داده است شادمان گردد ۱۶۹
- ۴-۱-۸. زمامدار جامعه‌ی اسلامی باید از سنت‌های نیکو، پاسداری نماید ۱۷۰
- ۴-۱-۹. ارتباط مستقیم مردم با زمامدار اسلامی ضروری است ۱۷۱
- ۴-۱-۱۰. زمامدار باید به استیضاح مردم پاسخ گوید ۱۷۳
- ۴-۲. رکن دوم: بنوت ۱۷۵
- ۴-۳. رکن سوم: اخوت ۱۷۸
- ۴-۳-۱. اخوت و برادری در قرآن ۱۷۹
- ۴-۳-۲. اخوت و برادری در سنت ۱۸۰
- جمع‌بندی ۱۸۱
- فصل ۵. مؤلفه‌های رابطه‌ای سرمایه اجتماعی در اسلام ۱۸۷
- کلیات ۱۸۷
- ۵-۱. مؤلفه‌های ایجاد روابط متقابل در جامعه‌ی اسلامی ۱۸۷
- ۵-۱-۱. عوامل دوستی‌زا ۱۸۸
- ۵-۱-۲. تفکر یکپارچگی امت اسلامی ۱۸۸
- ۵-۱-۳. اصل توبه‌ی اجتماعی ۱۸۹
- ۵-۲. مؤلفه‌های ایجاد هنجار ۱۹۱
- ۵-۲-۱. عدالت ۱۹۱
- ۵-۲-۲. ایثار ۱۹۸
- ۵-۲-۳. تزاید خوبی ۲۰۳
- جمع‌بندی ۲۰۶

فهرست مطالب □ ۹

فصل ۶. مؤلفه شناختی سرمایه اجتماعی در اسلام.....	۲۱۱
کلیات.....	۲۱۱
۱-۶. مؤلفه‌های اجتماعی اعتماد.....	۲۱۲
۱-۱-۶. مؤلفه‌های ایجابی.....	۲۱۲
۲-۱-۶. مؤلفه‌های سلبی.....	۲۳۵
۲-۶. مؤلفه‌های اقتصادی اعتماد.....	۲۴۲
۱-۲-۶. قرض الحسنه.....	۲۴۲
۲-۲-۶. قاعده‌ی کتابت.....	۲۴۴
۳-۲-۶. انفاق و زکات.....	۲۴۶
۴-۲-۶. وقف.....	۲۵۹
جمع‌بندی.....	۲۵۹
نتیجه‌گیری.....	۲۶۷
منابع و مأخذ.....	۲۷۳

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»
وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا لَنَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ
(قرآن کریم، سوره مبارکه النمل، آیه شریفه ۱۵)

سخن ناشر

طرح مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی به دلیل توجه ویژه آن به مؤلفه‌ها و منابع نرم قدرت، در حوزه‌ی سیاست و اجتماع مورد اقبال جدی قرار گرفت و این حکایت از ظرفیت بالای این مفهوم در حوزه‌ی تحلیل و کاربرد دارد که می‌تواند مورد توجه تحلیل‌گران و مدیران در جوامع مختلف قرار گیرد.

معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه السلام حسب رسالت اولیه‌اش در طرح و تعمیق مباحث بنیادین در زمینه‌های مختلف مربوط به سیاست و حکومت (از قبیل فرهنگ، اقتصاد، اجتماع و...) موضوع قدرت نرم را در دستور کار خود قرار داده و تلاش نمود تا از این طریق امکان آرایه دیدگاهی بومی در این موضوع مهم را فراهم سازد.

اثر حاضر که از جمله منابعی است که با رویکرد مذکور و به صورت تحقیق و تألیف آرایه شده است. این اثر از آن حیث که گفتمان اسلامی را

مدنظر قرار داده، از منابع ترجمه شده متمایز شده و مکمل مناسبی برای مطالعات قدرت نرم در ایران به شمار می‌آید.

ناشر ضمن تأکید بر اینکه موضوع "سرمایه‌ی اجتماعی" به دلیل اهمیت، شایسته تحقیقات بیشتری است تا مبانی، ابعاد و کاربردهای آن تبیین و تحلیل گردد؛ آمادگی خود را برای دریافت آثار علمی در این ارتباط اعلام می‌دارد. اگرچه آنچه در این اثر آمده، مبتنی بر یافته‌های محقق است و از این حیث نمی‌تواند تماماً مورد تأیید ناشر باشد، اما نباید این نکته را از نظر دور داشت که طرح دیدگاه‌های بومی و اسلامی، چون زمینه‌ی نقد و بررسی و درنهایت ارتقای موضوع را در کشور فراهم می‌سازد، امری مبارک است و امید می‌رود به همت سایر محققان شاهد توسعه‌ی آن در آینده‌ی نزدیک باشیم.

معاونت پژوهشی

دانشگاه امام صادق علیه السلام

جامعه، دولت و سرمایه اجتماعی

در جمهوری اسلامی ایران

دکتر اصغر افتخاری*

مقدمه

سرمایه اجتماعی (Social Capital) را می‌توان مفهومی «محوری» در حوزه مطالعات سیاسی - اجتماعی ارزیابی نمود. دلیل این امر ارتباط مؤثر این مفهوم با مجموعه‌ای پیچیده و وسیع از سایر نظریه‌ها است که هر یک به نوبه خود نقش اساسی‌ای در فهم و اداره حیات اجتماعی دارند؛ از قبیل: دولت، نهادهای مدنی، افکار عمومی، ثبات سیاسی، امنیت ملی و به همین خاطر است که تلاش برای تحلیل سرمایه اجتماعی در فضایی «میان‌رشته‌ای» رسالتی مهم به شمار می‌آید که امروزه به شدت به آن توجه شده است.

* عضو هیات علمی و معاون پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه السلام.

- <http://www.Eftekhary.ir>
- Eftekhari_asg@yahoo.com
- asg.eftekhari@gmail.com

مطالعات میان‌رشته‌ای در حوزه سرمایه اجتماعی اگر چه به تولید و عرضه تصاویری جامع‌تر و کاربردی از سرمایه اجتماعی منتهی شده‌اند، اما نباید از این نکته غفلت نمود که ممکن است به تحول و تغییر ماهیت اولیه این مفهوم دامن زده و از این طریق «موضوع بحث» را دگرگون سازند. بنابراین لازم می‌آید تا مطالعات تخصصی با هدف «موضوع‌شناسی» همچنان در دستور کار باشند و از این طریق حوزه مطالعات سرمایه اجتماعی در کنار مطالعات میان‌رشته‌ای، حفظ و توسعه یابد. مقدمه حاضر از همین منظر تهیه و نگاشته شده است.

۱. شاخص‌های مفهومی و کاربردی سرمایه اجتماعی

مفهوم سرمایه اجتماعی به علت آنکه هنوز ادبیات آن از غنای لازم برخوردار نیست، در نوعی ابهام به سر می‌برد. لذا برای رسیدن به تصویری شفاف و اولیه لازم است تا پیشینه تاریخی آن مورد توجه قرار گیرد. برخی از محققان تاریخ ۱۹۱۶ و انتشار مقاله «هانیفان» (Hanifan) را به عنوان اولین متن مکتوب مشخص در این زمینه قلمداد کرده‌اند (تاجبخش ۱۳۸۴: ۲۱-۱۰). البته پذیرش این دیدگاه دشوار می‌نماید؛ چرا که هانیفان تصویری اجمالی از سرمایه اجتماعی مدنظر داشت و بیشتر متوجه ابعاد انسانی و تربیتی این واژه بود که با نظریه‌های پیچیده امروزی چندان تناسب ندارد. به نظر می‌رسد بنیاد تخصصی این بحث را باید نزد «رابرت پوتنام» (Robert Putnam) ایتالیایی و «جیمز کلمن» (James Coleman) جستجو کرد (Putnam 1993; Coleman 1995). نتیجه مطالعات گسترده «پوتنام» در کتاب «دموکراسی و سنت‌های مدنی» آمده است. وی با تأمل در میزان

کارآمدی دموکراسی در شمال و جنوب ایتالیا به این نتیجه رسید که نهادهای دموکراتیک در شمال بهتر نتیجه داده‌اند تا در جنوب. در مقام تحلیل این پدیده وی به سرمایه اجتماعی - در کنار رشد اقتصادی - به عنوان متغیر واسطی اشاره نمود که چرایی این واقعه را بیان می‌داشت. مطابق نظر وی سرمایه اجتماعی در شمال حضور و کارایی بیشتری دارد و لذا دموکراسی توانسته است بهتر عمل کند. شاخص‌های سه‌گانه پوتنام برای سرمایه اجتماعی عبارتند از: آگاهی، مشارکت و وجود نهادهای مدنی (Putnam 1993).

جیمز کلمن نیز در کتاب «بنیادهای نظریه اجتماعی» فصل مستقلی را به همین مفهوم اختصاص داده و سرمایه اجتماعی را به سان ابعادی از ساختار اجتماعی برای بازیگران سیاسی - اجتماعی معرفی کرده که می‌توانند همچون منبع سرمایه مؤثری برای تحقق خواسته‌هایشان از آن استفاده کنند. شاخص‌های پیشنهادی او پیچیده‌تر هستند و شامل موارد زیر می‌شود (Coleman 1995):

- ۱-۱. **تمهیدات ایجاد شده؛** اگر شما بتوانید با انجام خدمتی برای بازیگری او را نسبت به خود متعهد و مدیون سازید به سرمایه اجتماعی خود افزوده‌اید.
- ۱-۲. **دسترسی اطلاعاتی؛** اگر شما بتوانید به میزان بیشتر و دقیق‌تری از اطلاعات، آن هم در زمانی کمتر دست بیابید، به سرمایه اجتماعی خود افزوده‌اید.
- ۱-۳. **استقرار در موقعیت هنجار اجتماعی؛** اگر شما بتوانید در موقعیتی قرار بگیرید که همراه و همسو با هنجارهای اجتماعی باشد به سرمایه اجتماعی خود افزوده‌اید.
- ۱-۴. **کسب اقتدار؛** به هر میزان که شما بتوانید اعمال نفوذ مشروع و پذیرفته شده بر روی دیگر بازیگران برای خودتان کسب کنید، به سرمایه

۱۶ □ منابع قدرت نرم؛ سرمایه اجتماعی در اسلام

اجتماعی تان افزوده‌اید. مثلاً فردی که به خاطر بزرگ فامیل بودن نفوذ کلام دارد؛ یا فردی که به خاطر جذابیت کلام یا چهره و غیره، مورد اعتماد دیگران است و مواردی از این قبیل که متکی به زور یا قدرت مادی نیست، اما تأثیرگذارند.

۱-۵. کسب هویت سازمانی؛ اگر شما بتوانید در درون شبکه ارتباطی یک سازمان مؤثر واقع شوید، در آن صورت از نفوذ بیشتری برخوردار شده و سرمایه اجتماعی تان افزایش می‌یابد.

۲. گونه‌شناسی سرمایه

در یک تقسیم‌بندی کلان می‌توان «سرمایه اجتماعی» را در قیاس با سایر انواع شناخته شده سرمایه تحدید و معرفی کرد. سرمایه به چهار دسته تفکیک می‌شود (بورديو ۱۳۸۴: ۱۶۶-۱۳۱):

۲-۱. سرمایه فیزیکی که تأسیسات و سازه‌های عینی را شامل می‌شود.
۲-۲. سرمایه مالی که پول و انواع مختلف اوراق مالی را شامل می‌شود.

۲-۳. سرمایه انسانی که مهارت‌ها و توان‌مندی‌های فردی و جمعی را در بر می‌گیرد.

۲-۴. سرمایه اجتماعی که ناظر بر منابع موجود در تعاملات اجتماعی برای گسترش کنش‌ها و تحصیل اهداف کنشگران اجتماعی است. این تلقی نزدیک به دیدگاه افرادی چون «آرو» است که معتقدند سرمایه اجتماعی چیزی جز «تعاملات اجتماعی» نیست. این «سرمایه» به طور خلاصه در

شاخص‌های زیر تجلی می‌یابد: وفاداری، اعتماد، روابط شبکه‌ای، اقتدار فردی، هویت سازمانی، عمل متقابل، هنجارهای اجتماعی، اعتبار.

۳. سرمایه اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران

با توجه به تعریف به عمل آمده از «سرمایه اجتماعی» و «شاخص‌های» پیشنهادی، مشخص می‌شود که وقوع انقلاب اسلامی رخداد بزرگی به شمار می‌آید که به واسطه آن سرمایه ملی رشد و افزایش چشمگیری داشته است. به عبارت دیگر کاستی‌ها و لطمات وارد آمده در حوزه سرمایه‌های فیزیکی، مالی و انسانی - که طبیعت دوران انقلاب و برخوردهای دشمنان انقلاب بود (مانند تحریم‌های اقتصادی، کاهش ارزش پول، فرار سرمایه‌های مادی و فکری، تعطیل شدن دانشگاه‌ها و آموزشگاه‌ها، شهادت نیروهای انقلابی و وفادار و غیره) - به میزان زیادی از ناحیه افزایش سرمایه اجتماعی جبران شد [۱].

به همین دلیل است که جمهوری اسلامی می‌تواند بر بحران‌های مهمی چون آغاز جنگ تحمیلی و یا هرج و مرج‌های دوران تأسیس و حرکت‌های تجزیه طلبانه، فایق آید. اما برنامه‌های پنج ساله طراحی شده، پس از اتمام جنگ تحمیلی تحلیلی جداگانه را می‌طلبد. به نظر می‌رسد که در دوران «سازندگی»، محور اصلی توسعه را «سرمایه فیزیکی» شکل می‌دهد و لذا عمده محورهای برنامه پنج ساله کشور با نگاه به این سرمایه طراحی و اجرا می‌شوند. بنابراین می‌توان با نگاه به نتیجه عملی ناشی از عملکرد دولت، آن را گامی در راستای غنی‌سازی و ارتقای ظرفیت «سرمایه فیزیکی» ارزیابی کرد که از سوی آمار و ارقام موجود نیز این موضوع تأیید می‌گردد [۲]. در

همین راستاست که «توسعه مهارت‌های فنی» نیز مورد توجه قرار گرفته و می‌توان ادعا کرد که «سرمایه انسانی» نیز رشد می‌نماید.

اما در مرحله بعدی که بحث «توسعه سیاسی» موضوعیت می‌یابد، و عملاً نیم‌نگاهی به «سرمایه اجتماعی» می‌شود که نتیجه آن را می‌توان در توسعه مشارکت مردمی، فعالیت شوراها، رشد مطبوعات و ... مشاهده کرد. البته بروز رفتارهای نابهنجار و خروج برخی از گروه‌های اجتماعی از درون چارچوب مصوب ملی - که قانون اساسی آن را ترسیم کرده است - منجر می‌شود تا پروژه غنی‌سازی «سرمایه اجتماعی» در داخل با مشکلاتی مواجهه شود. متعاقب این مرحله است که ایده تقویت سرمایه اجتماعی از ره‌گذر باز تعریف و حاکمیت اصل عدالت مطرح می‌شود که بصورت عطف توجه سازمان قدرت به اصول انقلابی و خواسته‌های توده‌های مردم تجلی می‌یابد.

در مجموع می‌توان ادعا کرد که توجه به «سرمایه اجتماعی» از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی، به خاطر ماهیت مردمی و ویژه انقلاب در دستور کار بوده است؛ اگر چه این عطف توجه کم یا زیاد شده است. در حال حاضر می‌توان چنین استنباط کرد که توجه عموم دولتمردان و تحلیل‌گران به «سرمایه اجتماعی» بسیار جدی و آشکار است. علت این امر نیز به شرایط تازه منطقه‌ای و جهانی باز می‌گردد که می‌طلبد توان ملی را از ناحیه سرمایه اجتماعی هر چه بیشتر تقویت نمود تا از این طریق ایران بتواند بر تحریم‌های علنی اعمال شده بر ضد نظام اسلامی در حوزه‌های مرتبط با سرمایه‌های فیزیکی، مالی و انسانی، فایز آید.

سرمایه اجتماعی از جمله مجال‌های موسع و بازی است که جمهوری اسلامی ایران می‌تواند - و باید - در تقویت آن بکوشد؛ چرا که در سایر

سرمایه‌ها تعاملات و شبکه‌های جهانی بسیار مؤثر حاضر شده و مانع از توسعه و افزایش سرمایه می‌شود. به عنوان مثال می‌توان به محدودیت‌های ناظر بر دسترسی ایران به دانش‌های پیشرفته، یا دریافت مهارت‌های برتر اشاره داشت؛ که تماماً به قرار گرفتن ایران در تنگناهای اقتصادی - سیاسی کمک می‌کند. در چنین حالتی عزم ملی و وجود سرمایه اجتماعی معتبر است که می‌تواند، راه گشای ما باشد. لذا جامعه ایران نیازمند تکرار تجربه اوایل انقلاب - متناسب با مقتضیات جدید - است؛ یعنی تقویت هر چه بیشتر سرمایه اجتماعی.

۴. دولت و سرمایه اجتماعی

در ارتباط با «دولت» به نظر می‌رسد که شاخص‌های زیر بیشترین نقش را در افزایش سرمایه اجتماعی دارند:

۴-۱. **افزایش کارآمدی**؛ به عبارت دیگر دولت باید بتواند گسست‌های بین خواسته‌های به حق مردم و خدمات دولتی را کاهش داده، تا مردم آن را دولت «خدمتگزار» بنامند. چرا که هر چه دولت از انجام مسئولیت‌های خود در قبال مردم و تأمین نیازمندی‌های آنان ناتوان‌تر باشد، اتلاف سرمایه اجتماعی بیشتر خواهد بود (نک. لزلی و تونکیس ۱۳۸۷: ۱۵۲-۱۲۱).

۴-۲. **کاهش فساد**؛ نفوذ فساد (در انواع مختلف اداری، اقتصادی، فرهنگی و غیره) به درون ساخت رسمی قدرت، می‌تواند به زوال سرمایه اجتماعی منجر شود. بنابراین مقابله قاطع و جدی با فساد در بدنه قدرت، ضامن صیانت از سرمایه اجتماعی و افزایش آن است (نک. هیوود ۱۳۸۱: ۲۵۰-۲۱۷).

۳-۴. رفع تعارضات ساختاری؛ بروز تنش در درون ساخت رسمی قدرت و تقابل نیروهای اصلی تصمیم‌ساز، در هر سطح و اندازه‌ای که باشد به افت سرمایه اجتماعی منتهی می‌شود. بنابراین تحصیل وحدت در درون ساخت رسمی قدرت و تقویت آن، گام نخست در پاس داشت سرمایه اجتماعی به شمار می‌آید (نک. نای و دیگران ۱۳۸۹: ۴۸۳-۴۲۹).

۴-۴. مشارکت جویی؛ دولت موظف است تا زمینه لازم برای مشارکت مردم در عرصه‌های مختلف اعمال مشروع قدرت را فراهم آورد و از بروز گسست «مردم - حکومت» ممانعت به عمل آورد. روندی که دولتمردان را از مردم دور سازد، در واقع روندی «منفی» برای سرمایه اجتماعی به شمار می‌آید (نک. میلسن و همکاران ۱۳۸۸ ک ۳۶۶-۳۲۵).

۴-۵. قدردانی؛ قدرت سیاسی موظف است نسبت به نیروهای انسانی قدردان باشد و بدین ترتیب تمام نیروهای وفاداری را که در بحران‌ها، مسئولیت اصلی را به دوش می‌گیرند، برای خود نگهدارد. قدردانی از این سرمایه‌ها دو تأثیر مهم دارد: نخست به حفظ آنها کمک می‌کند و مانع از هدر رفتن آنها می‌شود و دیگر آنکه جامعه را ترغیب نموده و آگاه می‌نماید که در صورت فداکاری و حضور مؤثر، مورد بی‌مهری قرار نخواهند گرفت. توجه به گروه‌های مهمی چون خانواده معظم شهداء، ایثارگران، و ... از این حیث با سرمایه اجتماعی مرتبط است [۳].

۵. نهادهای مدنی و سرمایه اجتماعی

اگر نهادهای مدنی را محور اصلی فعالیت‌های اجتماعی در جوامع مدرن امروزی ارزیابی نماییم؛ آنگاه می‌توان چنین اظهار داشت که سهم آنها در

تولید و صیانت از سرمایه اجتماعی بسیار زیاد است. مهمترین کارویژه‌های آنها عبارتند از:

۵-۱. آگاهی بخشی؛ نهادهای مدنی اگر چه کانال انتقال خواسته‌های مردمی به نظام سیاسی هستند، اما این نافی نقش دیگر آنها که «آگاهی بخشی» است، نمی‌باشد. بدین معنا که خدمات و کارویژه‌های دولتی نیز باید به اطلاع مردم برسد تا نسبت به حکومت احساس تعلق نمایند. نهادینه و منظم کردن خواسته‌ها نیز از جمله کارهای مهمی است که این نهادها قادر به انجام آن هستند (نک. فوکویاما ۱۳۸۴).

۵-۲. امید بخشی؛ پرداختن به مشکلات نباید به معنای ایجاد یأس در مردم باشد، بلکه این اقدام باید به گونه‌ای انجام پذیرد که ضمن طرح مشکلات، بتواند آینده‌ای روشن را برای جامعه و حکومت ترسیم نماید (نک. هربرت ۱۳۸۷: ۹۲-۶۳). در این ارتباط نهادهای مدنی نقش مهمی دارند که ارتقای سرمایه اجتماعی از نتایج مستقیم آن است.

۵-۳. جلوگیری از تنش؛ هرج و مرج‌گرایی و برهم زدن جامعه به عنوان «رقابت سیاسی» نه تنها وحدت ملی بلکه سرمایه اجتماعی را تهدید می‌کند (نک. افتخاری ۱۳۸۱: ۵۰-۴۹ و ۶۵-۵۷). ترویج الگوی رقابت سالم سیاسی، از جمله کارویژه‌های مؤثر این نهادها برای افزایش سرمایه اجتماعی به شمار می‌آید.

۵-۴. اصلاح‌گری؛ نهادهای مدنی با تجمیع خواسته‌های مردمی باید حکومت را در مقابله با مفاسد و مشکلات یاری رسانده و بدین ترتیب ضمن فراهم آوردن زمینه مشارکت هر چه بیشتر مردم، آن را در راستای منافع ملی نهادینه سازند (لزلی و تونکیس ۱۳۸۷).

۵-۵. وحدت بخشی؛ سرمایه اجتماعی به میزان زیادی از ناحیه «هویت اجتماعی» قوت می‌گیرد. بر این اساس نهادهای مدنی چنانچه بتوانند در چارچوب قوانین و ضوابط مربوط به تشکلات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی به جذب افراد و انسجام بخشی به آنها اقدام نمایند؛ خدمت ارزنده‌ای به تقویت سرمایه اجتماعی می‌کنند - چرا که این اقدام ایشان تکثر اجتماعی را به وحدت اجتماعی مربوط می‌سازد (فاین ۱۳۸۵: ۱۵۰-۱۲۷). مجموع کارکردهای ده‌گانه بالا به نظر اینجانب، می‌توانند دولت و نهادهای مدنی را در افزایش میزان سرمایه اجتماعی و صیانت از آن یاری رسانند.

۶. امنیت و سرمایه اجتماعی

با نگاه به سیر تحول الگوهای تأمین و امنیت ملی می‌توان بین دو دیدگاه اصلی سلبی و ایجابی از یکدیگر تفکیک قایل شد. در حالی که دیدگاه سلبی (Negativ) بر نبود «تهدید» تأکید دارد و امنیت را وضعیتی تلقی می‌کند که در آن تهدیدی برای ارزش‌های بازیگر مقابل وجود نداشته باشد، دیدگاه ایجابی (Positive) آن را وضعیتی خاص می‌داند که افزون بر نبود «تهدید»، تعادلی بین «خواسته‌های شهروندی» و «کارویژه‌های دولتی» وجود داشته باشد (افتخاری ۱۳۸۰: ۲۸-۱۱). متأثر از همین تفاوت است که امنیت در دیدگاه سنتی بیشتر صبغه «نظامی» یافته و مقولاتی چون «جنگ» و «نزاع» در کانون آن قرار دارند. اما دیدگاه ایجابی ماهیتی متفاوت و معطوف به «مردم» دارد. بدین صورت که ایجاد «رضایت‌مندی» و کسب اعتماد مردم، مبنای اصلی «امنیت» به شمار می‌آید.

با این تعریف ساده مشخص می‌شود که مطالعات و برنامه‌های امنیتی در سالهای پایانی قرن بیستم به شدت متوجه مقولاتی چون «سرمایه اجتماعی» شده و حتی معادلات و توانمندی‌های نظامی و فنآوری را در همین چارچوب فهم و تجزیه و تحلیل می‌نماید. نتیجه آنکه دولت‌ها افزون بر سیاست‌هایشان در حوزه افزایش توان نظامی، اقتصادی و فنی لازم است تا به افزایش میزان سرمایه اجتماعی‌شان همت گمارند تا اینکه بتوانند در تأمین امنیت داخلی و ملی‌شان توفیق یابند. به عبارت دیگر، تأمین امنیت بدون داشتن سرمایه قابل توجهی در حوزه اجتماعی میسر نبوده و یا حداقل بسیار دشوار خواهد بود.

نتیجه‌گیری

اهمیت نظری و کاربردی «سرمایه اجتماعی»، اقتضای تلاش برای درک بومی آن را دارد. اهمیت اقدام از آنجا ناشی می‌شود که منابع، شیوه‌ها و مصادیق سرمایه اجتماعی در جامعه ایرانی - بدلیل ساخت سیاسی و اجتماعی متفاوت آن - با الگوهای متعارف جاری یکسان نبوده و همین امر ظرفیت‌های مفهومی و ارزش راهبردی آن را متمایز می‌سازد.

کتاب حاضر از دو حیث در خور توجه است: نخست آن که محقق به ضرورت بومی‌سازی «سرمایه اجتماعی» تظن داشته و محور اصلی پژوهش خود را بر این مبنا گذارده است؛ و دیگر آن که، در مقام ارایه تصویری اسلامی از سرمایه اجتماعی، اصول و ضوابط علمی را که ناظر بر نیازهای جامعه علمی و عملیاتی است، رعایت نموده و در نتیجه تعریفی منسجم، بر بنیاد دیدگاهی ساختارمند از سرمایه اجتماعی عرضه داشته که قابلیت رقابت

۲۴ □ منابع قدرت نرم؛ سرمایه اجتماعی در اسلام

علمی با سایر دیدگاه‌ها دارد. بر این اساس می‌توان اثر حاضر را گامی مؤثر در فهم بومی سرمایه اجتماعی در چارچوب گفتمان اسلامی ارزیابی نمود.

یادداشت‌ها

[۱]. «پیتر آکرمن» و «جک دووال» در مقام مقایسه دو گونه از قدرت نرم و قدرت سخت به این نتیجه رسیده‌اند، که قدرت نرم به مراتب کم هزینه‌تر و مؤثرتر می‌باشد. مطابق این تحلیل آسیب‌های وارده از ناحیه قدرت سخت را می‌توان با استخدام منابع نرم‌افزاری تحدید و حتی بی‌اثر ساخت (See Acherman & Duvall 2000). این وضعیتی است که در جریان پیروزی انقلاب اسلامی ایران، شاهد تحقق آن در جامعه ایران می‌باشیم. اقدامات سخت‌افزارانه رقبا و دشمنان جمهوری اسلامی ایران به دلیل مواجهه با اراده انقلابی و ایمان الهی مردم، عملاً ثمر بخش نبوده و انقلاب می‌تواند تندبادهای ناشی از کاربرد منابع سخت دشمن را با موفقیت پشت سر گذارد. در نتیجه توجه به روش‌ها و سیاست‌های نرم‌افزارانه اولویت و اهمیت می‌یابد (نک. بیکی ۱۳۸۸؛ افتخاری و شعبانی ۱۳۸۹).

[۲]. ارزیابی امنیتی دولت‌های مختلف - از بدو تاسیس دولت موقت تا زمان حاضر - موضوعی پیچیده و چند بعدی است که بدلیل بداعت آن، کمتر بدان پرداخته شده است. به منظور مطالعه بیشتر در این زمینه مراجعه به آثار زیر توصیه می‌شود: ولی پور زرومی (۱۳۸۳)؛ گروه پژوهش‌های راهبردی (۱۳۸۷)؛ مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری (۱۳۸۸).

[۳]. موضوع «قدردانی» و تأثیرگذاری آن در تقویت و توسعه میزان اعتبار نظام سیاسی، از سوی «جین شارپ» به مثابه راه کاری برای اعمال قدرت نرم بر ضد ثبات موجود، مورد توجه جدی قرار گرفته است. بر این اساس تضعیف رابطه ملت - دولت می‌تواند زمینه را برای اعمال غیر خشنونت آمیز قدرت مساعد نماید. در این ارتباط نگاه کنید به: (Sharp 1973). از منظر ایجابی «گاندی» بر اهمیت این موضوع تأکید بسیار داشته است، چنان که توجه به این اصل را به مثابه یک راهبرد فعال در مقابله با توطئه‌های دشمنان ارزیابی نموده است. نگاه کنید به: (Cortright 2006).

فهرست منابع

- افتخاری، اصغر (۱۳۸۰) «فرهنگ امنیت جهانی»، در: آر. دی. مک کین لای و آر. لتیل، امنیت جهانی: رویکردها و نظریه‌ها. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۱) درآمدی بر خطوط قرمز در رقابت‌های سیاسی. تهران: مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری.
- افتخاری، اصغر و ناصر شعبانی (۱۳۸۹) قدرت نرم و نبرد نامتقارن. تهران: دانشگاه امام صادق α .
- بوردیو، پیر (۱۳۸۴) «شکل‌های سرمایه»، در: سرمایه اجتماعی. (به اهتمام) کیان تاجبخش، تهران: شیرازه.
- بیکی، مهدی (۱۳۸۸) قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران: مطالعه راهبردی لبنان. تهران: دانشگاه امام صادق α .
- تاجبخش، کیان (۱۳۸۴) سرمایه اجتماعی. تهران: شیرازه.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۸۸) مبانی حکمی و سیاست عملی دولت نهم در روابط بین‌الملل. تهران: مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری.
- فاین، بن (۱۳۸۵) سرمایه اجتماعی و نظریه اجتماعی. محمد کمال سروریان، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۸۴) «سرمایه اجتماعی و جامعه مدنی»، در: سرمایه اجتماعی. (به اهتمام) کیان تاجبخش، تهران: شیرازه.
- گروه پژوهش‌های راهبردی (۱۳۸۷) عدل و صلح. تهران: نشر جمهوری ایران.
- لزلی، همس و فران و تونکیس (۱۳۸۷) اعتماد و سرمایه اجتماعی. محمد تقی دلفروز، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- میلسن، ژان و همکاران (۱۳۸۸) دیپلماسی عمومی: قدرت نرم در روابط بین‌الملل. رضا کلهر و سید محسن روحانی. تهران: دانشگاه امام صادق α .

- نای، جوزف و دیگران (۱۳۸۹) فرسایش قدرت نرم. سعید میرترابی، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.

- ولی پور زرومی، سید حسین (۱۳۸۳) **گفتمان‌های امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران**. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

- هربرت، دیوید (۱۳۸۷) «**اعتقاد، اعتماد و جامعه مدنی**»، در: همس لزیلی و فران تونکیس، **اعتماد و سرمایه اجتماعی**.

- هیوود، پل (۱۳۸۱) **فساد سیاسی**. محمد طاهری و میر قاسم بنی هاشم، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

-Ackerman, Peter & Jack Duvall (2000) **a Force more Powerful**. New York: Palgrave.

-Coleman, James (1990) **Foundation of Social Theory**. Harvard University: Belknap Press.

-Cortright, David (2006) **Gandi & Beyond**. London: Paradgim Publishers.

-Putnam, Robert (1993) **Macking Democracy Work**. New Jersey: Princeton University Press.

-Sharp, Jene (1973) **The Politics of Nonviolent Action. The Methods of Nonviolent Action**. Boston Porter Sargent Publishers.

پیشگفتار

یکی از مهمترین جنبه‌های زندگی انسان، روابط اجتماعی است. ما در زندگی روزانه ممکن است با هزاران نفر، در موقعیت‌های مختلف در تماس باشیم و از این روابط برای برطرف کردن نیازهای فردی بهره بگیریم. در طی مبادلاتی که انسان‌ها با یکدیگر دارند، روابط میان آنها قوی‌تر و یا ضعیف‌تر می‌شود. اما تقریباً همه‌ی انسان‌ها مایلند که با افراد بیشتری آشنا شوند و روابط خود را با دیگران مستحکم‌تر نمایند. چرا مردم به گسترش روابط خود علاقه‌مندند؟

به اعتقاد عده‌ای، پول می‌تواند تمام مشکلات را در جامعه‌ی مدرن برطرف سازد. با داشتن پشتوانه‌ی مالی فراوان، می‌توان کالاهای مورد نیاز را به سهولت و در کمترین زمان ممکن خریداری نمود. اما مشکل اینجاست که منابع مالی در جامعه محدودیت دارد و ممکن نیست که همه‌ی افراد جامعه بتوانند همزمان از ثروت سرشار برخوردار باشند. اولین قانون علم اقتصاد این است که منابع محدود هستند و هنوز این رشته از علم نتوانسته راهی کشف نماید که همه‌ی مردم را قادر به برآوردن همه‌ی نیازهای خود نماید. بنابراین باید پول را به عنوان راه‌حل عمومی کنار گذاشت و پذیرفت که پول

نمی‌تواند همه‌ی نیازهای فردی را برطرف نماید. آیا راهی وجود دارد که بتوان به عنوان راه‌حل عمومی تجویز کرد؟ آیا می‌توان به جای سرمایه‌ی مالی از منبع دیگری بهره برد که با هزینه‌ی کمتر، کارآمدی بیشتری در رفع نیاز افراد داشته باشد؟

محدود بودن کارآمدی سرمایه‌ی مالی، در سطح کلان و نیازهای اجتماعی با شدت بیشتری وجود دارد. بسیاری از شهرها و کشورهای ثروتمند را می‌توان یافت که ساز و کارهای اجتماعی در آنها روان نیست و هنوز بسیاری از نیازهای اجتماعی اقماع‌نشده باقی مانده است. مثلاً در این مناطق جرم و جنایت زیاد است، اعتماد کافی بین افراد وجود ندارد، امنیت روانی و اجتماعی روز به روز کاهش می‌یابد و مشاجرات و نزاع‌های اجتماعی روزافزون است. در مقابل، شهرها و کشورهایی را مشاهده می‌کنیم که از منابع مالی و طبیعی زیادی برخوردار نیستند اما به دلیل وجود برخی مؤلفه‌ها، روابط افراد به یکدیگر نزدیک است و مردم در آسایش بیشتری به سر می‌برند. در اینگونه مناطق، قواعد دموکراسی به راحتی پذیرفته و اجرا می‌گردد و کمترین میزان تنش در اجتماع وجود دارد. برنامه‌های توسعه در این مناطق بهتر جواب می‌دهند و هزینه‌ی توسعه پایین‌تر از دیگر مناطق دنیاست. چه ویژگی چشمگیری در این مناطق وجود دارد؟

«سرمایه‌ی اجتماعی» می‌تواند پاسخی به همه‌ی سؤالات بالا باشد. این مفهوم به صورت ناگهانی وارد ادبیات علوم اجتماعی شد و به سرعت حوزه‌های علمی را درنوردید. هزاران مقاله و صدها کتاب درباره‌ی آن نوشته شده و می‌شود و به اعتقاد بزرگان، هنوز بسیاری از ابعاد آن کشف نشده باقی مانده است. اما تمام این آثار بر یک نکته اتفاق نظر دارند: «روابط

میان افراد جامعه سرمایه‌ی گران‌بهایی است که می‌تواند با کمترین هزینه نیازهای فردی و اجتماعی انسان را رفع نماید.»

به کارگیری روابط، قدمتی به درازای تاریخ تشکیل اولین خانواده در کره‌ی خاکی دارد. انسان‌های نخستین نمی‌توانستند جز با همکاری یکدیگر به حیات ادامه دهند. «اعتماد» موجب شد که اولین گروه انسان‌ها در کنار یکدیگر گرد آیند و برای بقا و ادامه‌ی حیات همکاری نمایند. در جامعه‌ی مدرن، نیاز به روابط مؤثر و گسترده با دیگران هنوز وجود دارد. در بسیاری از موارد بدون این روابط نمی‌توان نیازهای خود را برطرف نمود و یا اینکه بدون داشتن روابط خوب باید هزینه‌ی بیشتری پرداخت.

تصور کنید من برای یک مسافرت تفریحی نیاز به اتومبیل دارم. چگونه می‌توانم این نیاز را برآورده سازم. دو وضعیت قابل تصور است:

۱. استفاده از سرمایه‌ی مالی: با منابع مالی محدودی که در اختیار دارم نسبت به خرید یا اجاره‌ی اتومبیل اقدام نمائیم. در این وضعیت بخشی از سرمایه‌ی مالی دچار استهلاک می‌شود و دیگر قابل بازگشت نیست.

۲. استفاده از سرمایه‌ی اجتماعی: اگر روابط قوی و مؤثری وجود داشته باشد، می‌توان از آن به عنوان سرمایه‌ی اجتماعی استفاده نمود. در این مثال می‌توان اتومبیل را از یک دوست یا از اعضای خانواده قرض گرفت. اگر من به حسن اعتماد دیگران پاسخ مثبت دهم و امانت را سالم بازگردانم، نه تنها سرمایه‌ی اجتماعی دچار استهلاک نمی‌شود بلکه تقویت هم می‌شود. به این معنا که در آینده می‌توان انتظار داشت که درخواست‌های بزرگتر من نیز با موافقت دیگران مواجه شود. به علاوه مورد اعتماد قرار گرفتن، یک نوع

احساس دین در افراد به وجود می‌آورد که در آینده در صدد جبران آن برمی‌آیند و به این ترتیب روابط را بیش از پیش تقویت می‌نماید.

این مثال نشان می‌دهد چگونه استفاده از سرمایه‌ی اجتماعی کارآمدی بیشتر و هزینه‌ی کمتری نسبت به سرمایه‌ی مالی دارد. اما گاهی استفاده از سرمایه‌ی اجتماعی نه تنها ترجیح دارد، بلکه ضروری و غیر قابل اجتناب می‌شود و نمی‌توان آن را با سرمایه‌ی مالی جایگزین نمود. مثلاً اگر نیاز به اتومبیل در یک وضعیت اضطراری در نیمه‌شب، رخ دهد فقط سرمایه‌ی اجتماعی است که می‌تواند راه‌گشا باشد تا از همسایه، اتومبیل امانت بگیریم. فراتر از سطح فردی در سطح کلان و اجتماع نیز سرمایه‌ی اجتماعی بسیار مؤثر است. اگر روابط افراد جامعه با یکدیگر تقویت شود، هزینه‌ی بسیاری از اقدامات اجتماعی کاهش می‌یابد. روابط قوی میان افراد جامعه موجب می‌شود که شهروندان از یکدیگر حمایت نمایند و بر یکدیگر نظارت کنند. همین موضوع بسیاری از هزینه‌ها را کاهش می‌دهد. کلید موفقیت بسیاری از کشورها از جمله کشورهای شرق آسیا که در مدت کوتاهی رشد شگفت‌انگیزی داشته‌اند، در انباشت بالای سرمایه‌ی اجتماعی نهفته است. از طرف دیگر نابودی غول‌های بزرگ سیاسی و اقتصادی مانند شوروی در نتیجه‌ی فقدان سرمایه‌ی اجتماعی رخ داده است.

اما سؤال این است که چگونه می‌توان روابط مؤثر و گسترده را در اجتماع تقویت کرد؟ به نظر می‌رسد در هر فرهنگ، مؤلفه‌های خاص و ویژه‌ای وجود دارد که می‌تواند به تقویت سرمایه‌ی اجتماعی منجر شود. اگر سیاستی در کشور سوئد یا آمریکا سرمایه‌ی اجتماعی را افزایش دهد لزوماً

در ایران نمی‌تواند مؤثر باشد. روش‌های نگهداری و افزایش سرمایه‌ی اجتماعی در ایران باید لزوماً مطابق با شرایط فرهنگی ایران باشد.

اسلام جزء جدایی‌ناپذیر فرهنگ ایرانی است و اتفاقاً شامل بسیاری از گزاره‌های فرهنگی است که سرمایه‌ی اجتماعی را افزایش می‌دهد. عناصری در دین اسلام وجود دارد که روابط میان شهروندان را تقویت می‌کند و اگر بتوان آن‌ها را استخراج و دسته‌بندی نمود می‌تواند در افزایش سرمایه‌ی اجتماعی به کار گرفته شود. سرمایه‌ی اجتماعی اسلامی با تقویت مؤلفه‌هایی که خاص این نظام فکری است و در فرهنگ اسلامی مردم ایران وجود دارد می‌تواند تعاملات مردم در جامعه‌ی ایرانی را روان‌تر و بهتر نماید.

نویسنده امیدوار است که این کتاب بتواند بخش کوچکی از نیاز گسترده‌ی انسان مدرن به دین را آشکار نماید. در نگارش این کتاب افراد زیادی مؤثر بوده‌اند. نویسنده بیش از همه خود را مدیون «دکتر اصغر افتخاری» می‌داند که از ابتدایی‌ترین مراحل یعنی پیشنهاد موضوع تا زمان انتشار اثر، راهنمای اصلی نگارش کتاب بودند و با تشویق‌ها و عتاب‌های دلسوزانه، این مسیر دشوار را هموار نمودند. «دکتر کاوس سید امامی» با نگاه نقادانه‌ی خویش، کزی‌های این قلم را اصلاح کرده و تجربه‌ای گران‌بها برای نویسنده فراهم نمودند.

«در پایان لازم است از اقدام ارزنده دانشگاه امام صادق علیه السلام در اتخاذ سیاست‌های جامع و ابتکار در حوزه توسعه مرزهای دانش بومی و تأکید بر موضوعات جدید با رویکردی میان رشته‌ای تقدیر گردد. سیاستی که ایده مرجعیت علمی را برجسته ساخته و تحقق آن را برای دانشگاه دست‌یافتنی

۳۴ □ منابع قدرت نرم؛ سرمایه اجتماعی در اسلام

نموده است. امید آن که شاهد تقویت روزافزون مکتب علمی جعفری در داخل و خارج کشور با پیشگامی دانشگاه امام صادق علیه السلام باشیم.

بخش اول

چارچوب مفهومی و نظری